

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۱ ♦ بهار ۱۳۹۵
صفحات: ۱۶۷-۱۸۴



سلسله گزارش‌هایی از آثار اهل سنت در نقد افکار و هابیت (۱۶)

گزارشی از رساله عقائد علمای دیوبندی

ابراهیم کاظمی*

میان تمامی مسلمانان از زمان صحابه تا کنون اعتقاداتی از قبیل توسل، شفاعت، استغاثه، نذر و اهدای ثواب آن برای اولیای الهی و شد رحال بر زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ معمول و مرسوم بوده است. اکثر فقهای مذاهب، چه شیعه و چه سنی، نه تنها از این کار منع نمی‌کردند، بلکه در تأیید این اعمال کتاب‌ها و رسالاتی نگاشتند.

در قرن دوازدهم، در منطقه نجد، شخصی به نام محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان نجدی به پیروی از اندیشه ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه، این اعمال را شرک آلود و مرتکب آن را مشرک دانست. خلیل احمد سهارنبوری با نوشتن کتاب المهند علی المفند و تأیید اکثر علمای دیوبندیه بر آن، دیوبندیان را از این اتهام وهابی‌گری دور کرد و نشان داد که اعتقادات دیوبندیان فراتر از اعتقاد اهل سنت نیست. با مرور زمان و با وجود اختلافاتی در علمای دیوبندیه بین دیدگاه‌های مختلف آنها درباره آرای بزرگانشان، مفتی سید عبدالشکور ترمذی بر آن شد تا کتابی به نام عقاید علمای دیوبندی تألیف کند. در واقع، وی کتاب المهند علی المفند را به امضای تعداد دیگری از علمای دیوبند رسانده است.

* دانش پژوه موسسه دارالاعلام لمدرسة أهل البيت ﷺ و موسسه کلام.

این نوشتار گزارشی از این کتاب است. قبل از بیان گزارش این کتاب باید اشاره‌ای به علت نام‌گذاری علمای شبه‌قاره به دیوبندی داشته باشیم. کلمه «دیوبند» برگرفته از شهر دیوبند است، که در نود مایلی شمال شرقی دهلی از توابع ایالت اوتراپرادش هند است. محمد قاسم نانوتوی (متوفای ۱۲۹۷ ه.ق.) با همکاری شیخ رشید احمد کنگوهی (متوفای ۱۳۲۳ ه.ق.)، و شیخ محمد یعقوب نانوتوی (متوفای ۱۳۰۲ ه.ق.) با انگیزه مبارزه با سلطه انگلیس در این شهر، مدرسه علمیه دارالعلوم را در ۱۵ محرم ۱۲۸۳ تأسیس کردند^۱ که در آغاز با شاگردی به نام محمود حسن و استادی به نام ملاقاری محمود شهرت یافت. سپس در گذر زمان با گسترش آن شهرتش جهانی شد، به طوری که به الأزر هند معروف گردید.^۲ بسیاری از علمای معاصر اهل سنت در شبه‌قاره هند، افغانستان، سیستان و بلوچستان ایران، و برخی دیگر از کشورهای اسلامی تربیت‌یافته و آموزش‌دیده این مدارس دینی هستند. مؤلف کتاب نیز از جمله علمای دیوبندیه است و شاگرد مدرسه دارالعلوم شمرده می‌شود.

سید عبدالشکور ترمذی

سید عبدالشکور ترمذی عالمی فقیه، محقق و عارف بود که در خانواده‌ای علمی و مذهبی به دنیا آمد و پرورش یافت. پدر وی سید عبدالکریم گمتهلی یکی از علمای دیوبند بود که اهل تألیف بود و کرسی درس داشت. وی در سال ۱۳۵۹ ه.ق. به مدت یک سال در مدرسه شرعیه مدینه تدریس داشت. سید عبدالشکور دروس ابتدایی خود را در مدرسی مانند دارالعلوم اشرفیه روستای تهانه‌بون شهر مظفر نگر، مدرسه حقانیه شاه‌آباد، مدرسه مظاهرالعلوم سهارانپور، مدرسه قاسم‌العلوم فقیر والی گذراند و در نهایت در سال ۱۳۶۵ ه.ق. از مدرسه دارالعلوم فارغ‌التحصیل شد. وی در مدرسی مانند مدرسه واج پورا و مدرسه حقانیه کرسی تدریس داشت. عبدالشکور بعد از استقلال پاکستان به شهر ساهیوال بخش

۱. طالب الرحمن، عقاید دیوبند، ص ۸.

۲. ندوی، محمد رحمت‌الله، اشرف‌علی تهنوی حکیم الامت، ص ۲۸.

سرگودا^۱ رفت و در آنجا مقیم شد؛ و توانست در آن شهر مدرسه قاسمیه را تأسیس کند. وی بعد از اختلاف درباره مسئله ختم نبوت^۲ به مدت چهار ماه زندانی شد. در این مدت مدرسه‌اش تعطیل بود. با تلاش‌های مستمری که عبدالشکور داشت، توانست در سال ۱۳۷۰ ه.ق. مدرسه‌ای به نام حقانیه تأسیس کند. از استادان برجسته او می‌توان سید حسین مدنی، محمد ادریس کاندهلوی، فخرالحسن صاحب و عبدالحق را نام برد. برای وی تألیف‌های بسیاری نام برده‌اند که به بیش از ۶۰ اثر می‌رسد؛ از جمله: الفیض الروحانی من الاولیاء الربانیین، هدیة الحیران فی جواهر القرآن، السعی الشکور فی احکام العاشور، و عقائد علماء دیوبند.

علل نگارش این کتاب

با وجود آنکه این کتاب شباهت فراوانی به المهند دارد، علل مهمی باعث شد سید عبدالشکور ترمذی آن را تألیف کند، از جمله اینکه:

۱. تقاضای برخی دوستان که از سید عبدالشکور خواستند مهم‌ترین عقاید بزرگان علمای دیوبند را جمع‌آوری و تبیین کند. وی نیز این کتاب را در جواب درخواست آنان تألیف کرد.

۲. کتاب المهند در واقع در پاسخ به پرسش‌های علمای مدینه نوشته شده، و شاید این تصور در ذهن برخی به وجود بیاید که در واقع این عقاید واقعی دیوبندی نباشد و صرفاً پاسخی ظاهری به پرسش‌های علمای مدینه تلقی شود. از این رو مؤلف این کتاب را با همین عنوان عقائد علماء دیوبندی نگاشت تا ثابت کند عقایدی که بزرگان دیوبند در پاسخ به پرسش‌ها نگاشته‌اند تفاوتی نکرده و همه علمای معاصر نیز به همان اعتقاد پای‌بندند.

1. Sargodh

۲. در سال ۱۹۵۳ تمام علمای مسلمان از هر مذهبی برای تحمیل فرقه قادیانی به عنوان اقلیتی غیرمسلمان به دولت (ذوالفقار علی) به دلیل انکار ختم نبوت، قیام کردند و در سال ۱۹۷۴ شاه‌احمد نورانی با ارائه لایحه‌ای به مجلس پاکستان توانست آن را به تصویب مجلس برساند و فرقه قادیانی را به عنوان اقلیت غیرمسلمان دولت اعلام کند.

۳. فراموش شدن اعتقادات دیوبندیه علت دیگری است که مؤلف در مقدمه این کتاب به آن اشاره می‌کند و می‌گوید نه تنها عوام مردم از این آرا و اعتقادات اطلاعی ندارند، بلکه طلاب علوم دینی نیز از اعتقادات حقیقی دیوبندیه آگاهی کاملی ندارند و در ذهن برخی فقط این ثبت شده است که دیوبندی در تقابل با بریلویت ساخته شده و این باعث شده است عده‌ای خود را عالم دیوبندیه بنامند و اعتقاداتی را در بین مردم و طلاب دینی نشر دهند که در واقع از عقاید واقعی دیوبندیه نیست. مؤلف با نگارش این کتاب و تصدیقاتی که از بزرگان در ذیل این کتاب بیان کرده عقاید حقیقی علمای دیوبندیه را ثابت می‌کند.

ویژگی‌های این کتاب

اولین ویژگی، که می‌توان برای این کتاب نام برد، مطابقت کامل عقاید دیوبندیه با عقاید اهل سنت و جماعت است. مؤلف نیز در مقدمه کتاب می‌گوید این رساله را با نام عقاید اهل سنت و جماعت نوشتم که به عقاید دیوبندیه شهرت یافت و این نشان از تطابق کامل هر دو عقیده دارد. تصدیقی که محمد شفیع دیوبندی^۱ بیان می‌کند، بر تطابق مذهب دیوبندی با اهل سنت تأکید می‌کند. وی می‌نویسد من دوست نداشتم کتابی حتی به این نام نیز نگاشته شود، تا اینکه برای برخی این توهم ایجاد شود که شاید بین دیوبندیه و اهل سنت تفاوتی باشد؛ به اطمینان می‌گویم بدون هیچ تفریط و افراطی تمام عقاید اهل سنت و جماعت در این کتاب آورده شده است (ص ۱۹۵).

دومین ویژگی این کتاب تبیین ۲۵ عقیده اجماعی علمای دیوبندی است که در حقیقت خلاصه تمام عقاید دیوبندیه است. البته بیشتر این عقاید از کتاب المهند علی المفند گرفته شده و حتی برخی از عقاید را فراتر از بیان المهند تبیین کرده و برای

۱. مفتی اعظم پاکستان، متولد ۱۳۱۴ ه.ق. در دارالعلوم؛ فارغ التحصیل دارالعلوم در ۱۳۳۵ ه.ق.؛ انورشاه کشمیری، عزیزالرحمن عثمانی، شبیر احمد عثمانی، سید اصغر حسین دیوبندی و ... از استادان او بودند. وی در عصر خود در زمره مفسران و فقیهان و امام تصوف شمرده می‌شد.

مختصر بودن رساله، فقط به پاسخ پرسش‌های کتاب المهند، تحت عنوان عقیده اکتفا شده است.

سومین ویژگی این رساله تصدیقاتی است که علمای دیوبندیه بر این رساله داشته‌اند. این تصدیقات به دو مطلب مهم اشاره دارد؛ نخست اینکه، این کلیات عقاید را همه این بزرگان علمای دیوبندیه قبول دارند؛ دوم اینکه، دلالت بر این می‌کند که اگر شخصی به غیر از این عقاید سعی در اثبات عقیده‌ای دیگر برای دیوبندیه یا نپذیرفتن این عقاید داشت، نباید آن شخص را جزء علمای دیوبندیه به حساب آورد. چون این عقاید کلی دیوبندیه است که هر شخص دیوبندی باید آن را بپذیرد و با آن مخالفتی نداشته باشد (ص ۱۶۹).

عقاید علمای دیوبندی

مؤلف برای جمع‌آوری ۲۵ عقیده از عقاید اجماعی و پذیرفته‌شده نزد علمای دیوبندی از کتاب‌های علمای دیوبندی مانند فتاوی رشیدیة، زبده المناسک، تذکرة الخلیل، الجامع الصغیر، نشر الطیب، آب حیات و حیات نبوی بهره برده، اما بیشتر از همه کتاب‌ها به رساله المهند علی المفند معروف به التصدیقات لدفع التلیبسات مراجعه کرده و در این کتاب با اسلوبی مختصر آن را گرد آورده است (ص ۱۶۷). وی درباره استفاده بیشتر از کتاب المهند می‌گوید این کتاب به دلیل اینکه برای تبیین عقیده یک فرد تألیف نشده و برای اثبات عقیده همه دیوبندیه نگاشته شده، اهمیت بسیار دارد؛ نمی‌توان نسبت کذب و نفاق در عقیده را به تصدیق‌کنندگان آن داد و عقایدی که در این رساله بیان شده، دستورالعملی کتبی و وثیقه‌ای مسلکی و اجماعی نزد علمای دیوبندی به شمار می‌رود و برای کسانی که می‌خواهند این جریان را تحقیق و بررسی کنند، مانند آینه کاملاً شفاف و روشن است. در عین حال، این کتاب به کسانی که در صدد وارد کردن عقیده غلط و نابجا به دیوبند هستند، جوابی دندان‌شکن می‌دهد و ثابت می‌کند که عقاید این بزرگان کاملاً موافق قرآن و اهل سنت است (ص ۱۶۸).

نویسنده در این کتاب به بخش‌های مهم عقیدتی که همه علمای دیوبندی بر آن اتفاق دارند اشاره می‌کند، از جمله: زیارت قبر پیامبر ﷺ، توسل، شفاعت، سماع انبیا در قبر، حیات پیامبر ﷺ در قبر، عرضه اعمال امت بر پیامبر ﷺ، اعتقاد به نبی و رسول بودن پیامبر اکرم ﷺ در قبر و تقلید. سپس دیدگاه علمای بزرگ دیوبند را بیان می‌کند و در پایان تمامی علمایی که این کتاب را تأیید کرده‌اند نام می‌برد و دیدگاه‌هایشان را ذکر می‌کند.

زیارت قبر پیامبر ﷺ

مؤلف در باب زیارت به چندین عقیده اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: اصل زیارت، نیت سفر برای زیارت، لمس کردن قبر پیامبر ﷺ، توسل در کنار قبر و درخواست شفاعت در کنار قبر، که تفصیل آن چنین است:

مؤلف اولین عقیده اجماعی علمای دیوبندی را زیارت قبر پیامبر ﷺ معرفی می‌کند و می‌گوید یکی از عقاید علمای دیوبندیه که به اتفاق همه علما پذیرفته‌اند، زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ است. عالی‌ترین درجه ثواب برای زائر آن حضرت نوشته می‌شود، اگرچه این زیارت همراه با شدّ رحال^۱ یا هزینه کردن جان و مال باشد. این به مشروعیت مقدمات زیارت، اعم از بستن بار سفر و بذل جان و خرج کردن مال و ثروت اشاره دارد، که به طور کلی مشروع است و ثواب بسیار دارد (ص ۱۷۱).

مؤلف در عقیده دوم در صدد بیان کردن اشکالی است که به علمای دیوبندیه درباره نیت سفر وارده شده است. می‌گوید اشکالی که در المهند بر علمای دیوبند گرفته شده به اصل سفر نبوده بلکه در نیت سفر است که آیا نیت سفر برای مسجدالنبی باشد یا قبر پیامبر ﷺ. وی می‌گوید رأی و نظر علمای دیوبندیه در این باره نیت زیارت قبر آن حضرت است نه نیت برای مسجدالنبی و دلیل آنان بر این عقیده این است که در سایه زیارت قبر

۱. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، ج ۱۴، ص ۲۷۳؛ شدّ رحال در لغت به معنای کجاوه بر شتر بستن آمده است.

پیامبر ﷺ زیارت مسجدالنبی و بقیه اماکن مقدس نیز محقق می‌شود؛ این را ابن‌همام^۱ صراحتاً بیان کرده است که صرفاً باید نیت زیارت قبر آن حضرت را کرد، و زیارت مسجدالنبی خود حاصل می‌شود (ص ۱۷۱).

عقیده سومی که به آن توجه شده و امروزه نیز این مسئله و شبهه وجود دارد، این است که: آیا انسان‌ها می‌توانند اعضای بدنشان را به قبور متبرک کنند و با اعضای بدن قبور را لمس کنند؟ مؤلف می‌گوید در عقاید علمای دیوبندیه لمس کردن قبر پیامبر ﷺ مطلقاً افضلیت دارد و حتی افضلیت آن از کعبه و عرش کرسی خداوند نیز بیشتر است (ص ۱۷۱).

یکی دیگر از اشکالات مخالفان بر دیوبندیه را می‌توان در مسئله توسل دانست که مؤلف با تبیین دیدگاه‌های علمای دیوبندیه سعی در اثبات توسل کرده است.

توسل

مؤلف می‌گوید در شماره پنجم بیان شده که عقیده علما و مشایخ دیوبندیه، جواز توسل به انبیا ﷺ، صلحا، اولیا، شهدا و صدیقان، چه در حیات و چه پس از رحلتشان است. در توسل خود چنین بگوید: «یا الله! من با توسل به فلان بزرگ، استجاب دعا و رفع حاجت خود را از تو می‌خواهم» (ص ۱۷۲). با وجود این دیوبندیه خود را از اهل سنت و جماعت می‌دانند و درباره جواز توسل اتفاق نظر دارند.

شفاعت

سید عبدالشکور ترمذی در عقیده پنجم این کتاب به مسئله مهم شفاعت اشاره می‌کند. وی ثابت می‌کند که شفاعت نزد همه علمای دیوبندیه مشروع و جایز شمرده شده است. علمای دیوبندیه در کتاب‌هایشان از قبیل فتاوی الرشدیة و فتح القدير و طحطاوی در المراقی، درخواست شفاعت از پیامبر ﷺ را جایز و مشروع شمرده‌اند و درباره کیفیت

۱. کمال الدین محمد بن عبدالواحد سیواسی، معروف به ابن‌همام حنفی (متوفای ۸۶۱ م.ق.) از پیشوایان بزرگ حنفی‌ها است.

درخواست شفاعت می‌گویند اگر گفته شود: «یا رسول الله! شفاعت بفرما تا آمرزیده شوم» باز جایز است (ص ۱۷۲). ذیل همین بحث استنادی به کلمات یکی از بزرگان علمای دیوبندیه به نام رشید احمد گنگوهی می‌کند:

«با توسل به آن حضرت دعا کند و شفاعت بخواهد و بگوید: یا رسول الله استلک الشفاعة و اتوسل بک الی الله فی ان اموت مسلما علی ملتک و سنتک: ای رسول خدا من از تو درخواست شفاعت می‌کنم و تو را به عنوان وسیله به بارگاه خداوند می‌خوانم که در حالت مسلمانی بر ملت و سنت تو بمیرم» (ص ۱۷۳).

سماع انبیا در قبر

پرسشی در عقیده ششم مطرح شده و آن اینکه: آیا وقتی کسی در کنار قبر مطهر پیامبر ﷺ به آن حضرت صلوات می‌فرستد حضرت صدایش را می‌شنود یا خیر؟ مؤلف می‌گوید علمای دیوبندیه به اتفاق معتقدند کسی که نزد قبر حضرت صلوات می‌فرستد پیامبر ﷺ خود، صدایش را می‌شنود و اگر از فاصله دور صلوات بفرستد ملائکه صلواتش را به حضرت می‌رسانند. وی برای اثبات سماع انبیا در قبر، دیدگاه برخی بزرگان دیوبندی را بیان می‌کند، از جمله اینکه:

خلیل احمد سهارانپوری در این مسئله چنین می‌گوید: «پیامبر ﷺ زنده است و به همین جهت واجب است بر او با صدای آهسته سلام داد و زمانی که شخصی سلام دهد حضرت صدای او را می‌شنود»^۱.

اشرف‌علی تهانوی می‌نویسد: «شنیدن سلام از نزدیک توسط خود حضرت و از دور توسط ملائکه امری ثابت است»^۲.

رشید احمد گنگوهی^۳ در کتاب الجامع الصغیر می‌گوید هیچ‌کسی در این باب اختلاف نظر ندارد. وی حدیثی را از ابوهریره از پیامبر ﷺ بیان می‌کند: «لیهبطن عیسی

۱. سهارانپوری، خلیل احمد، تذکره الخلیل، ص ۲۰۶.

۲. تهانوی، اشرف‌علی، نشر الطیب، ص ۲۹۷.

۳. (۱۲۴۴-۱۳۲۳ ه.ق.) از علمای بزرگ دیوبند.

ابن مریم حکماً و اماماً مقسطاً و لیسلکن فنجاً حاجاً أو معتمراً و لتأتین قبری حتی یسلم علیّ و لأزددنّ علیه؛^۱ عیسی به عنوان امامی عادل نازل خواهد شد و از راه فج برای حج و عمره حرکت می کند و بر سر قبر من خواهد آمد تا آنکه به من سلام کند و من یقیناً جواب سلام او را خواهم داد». حاکم نیشابوری و ذهبی این روایت را صحیح دانسته اند (ص ۱۷۴). در ادامه می گوید از این روایت روشن می شود که پیامبر صدای حضرت عیسی علیه السلام را می شنوند و به او جواب می دهند، با وجود این چرا الان شنیدن سلام و درود در کنار قبر و جواب دادن آن ناممکن باشد؟ و شنیدن سلام حضرت عیسی علیه السلام به دلیل روایت حضرت «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِی سَمِعْتُهُ، وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ نَأَيَّا أُبَلِّغْتُهُ»^۲ را نمی توان معجزه نامید. سند این روایت را ابن حجر عسقلانی،^۳ حافظ سخاوی،^۴ علامه علی قاری^۵ و علامه شبیر احمد عثمانی^۶ جید دانسته اند و نزد محدثان در حجت بودن این نوع سند هیچ تردیدی نیست (ص ۱۷۵).

حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر

مؤلف در عقیده هفتم می گوید نزد ما و مشایخ ما حیات برزخی پیامبر صلی الله علیه و آله از مسائل اختلافی بین اهل سنت و جماعت، و بین وهابیت است و این به معنای زنده بودن پیامبران در قبر است. ما این حیات را فراتر از حیات برزخی مردم عادی می دانیم. حیات برزخی آنها مانند حیات برزخی شهدا بلکه بالاتر است. در کیفیت حیات برزخی می گوید این نوع حیات، شباهتی با حیات دنیوی دارد و مانند حیات برزخی معمول انسان ها نیست. مؤلف عقاید علمای دیوبندیه را به اهل سنت

۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک، ج ۲، ص ۹۵.
۲. بیهقی، أحمد، شعب الإیمان، ج ۳، ص ۱۴۰، ج ۱۴۸۱.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری، ج ۶، ص ۳۷۹.
۴. سخاوی، حافظ، القول البدیع، ص ۱۱۶.
۵. قاری، علی، مرقات، ج ۲، ص ۱۰.
۶. عثمانی، شبیر احمد، فتح الملهم، ج ۱، ص ۲۳۰.

و جماعت منتسب می‌داند. لذا برای اثبات این عقاید مطالبی را از کلام علمای اهل سنت و علمای دیوبندیه می‌آورد؛ از جمله کلام تقی‌الدین سبکی^۱ که می‌گوید حیات انبیا و شهدا در قبر همانند حیاتی است که در دنیا بود و اینکه حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در قبر نماز می‌خواند دلیل بر همین مدعا است که نماز خواندن جسم زنده می‌خواهد. مراد بزرگان دیوبندیه از حیات دنیوی نیز این است که حضرت در جسم مبارک دنیوی است و در همین جسم مطهر حیات و زندگی دارد، اما این به آن معنا نیست که تمام لوازم حیات دنیوی را داشته باشد، بلکه چون از ادراک و علم و شعور برخوردار است آن حیات را حیات دنیوی می‌گویند (ص ۱۷۶). سپس مؤلف روایتی را دال بر مدعای خود ذکر می‌کند: «انس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمودند: الانبياء احياء في قبورهم يُصلُّون»^۲. این روایت را بیهقی^۳، سبکی^۴ و ابویعلی^۵ نیز ذکر کرده‌اند و صحیح می‌دانند (ص ۱۷۷).

انورشاه کشمیری^۶ از جمله بزرگان دیوبندی ذیل این حدیث می‌گوید شاید مراد از حدیث این باشد که آنان بر همان حالت دنیوی باقی مانده‌اند و این حالت از آنها مسلوب نشده است. وی در کلامی دیگر می‌گوید همانا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنده است، چنان‌که به ثبوت رسیده و در قبر خود با اذان و اقامه نماز می‌خواند. در فیض الباری این‌گونه وارد شده است: «انجام گرفتن بسیاری از اعمال در قبرها مانند ثبوت اذان و اقامه در روایت داریم و ثبوت قرائت قرآن در روایت ترمذی ثابت شده است» (ص ۱۷۹).

۱. أبو الحسن علی بن عبد الکافی مشهور به تقی‌الدین سبکی؛ فقیه شافعی، مفسر، حافظ، اصولی، نحوی، لغوی، بیانی، جدلی، خلاقی، شیخ‌الاسلام و از مجتهدان.
۲. ابویعلی موصلی، مسند ابی یعلی، ج ۶، ص ۱۴۷.
۳. بیهقی، احمد بن حسین، شعب الایمان، ج ۳، ص ۱۴۰.
۴. سبکی، علی بن عبد الکافی، شفاء السقام، ص ۴۶-۴۹.
۵. ابویعلی، مختصر فتاوی ابن تیمیه، ص ۱۷۰.
۶. محمد انورشاه کشمیری (۱۲۹۲-۱۳۵۲ ه.ق.)؛ وی یکی از شاگردان برجسته محمود الحسن بود.

محمد قاسم نانوتوی^۱ از جمله بزرگان دیوبندی نیز ذیل این حدیث می‌گوید: «ارتباط ارواح انبیا با بدن کماکان باقی است و از اطراف و جوانب به سوی آن کشش پیدا می‌کند. رسول الله هنوز در قبر زنده است و همانند افراد گوشه‌نشین و چله‌کشان عزلت‌گزیده است و همان‌گونه که مال ایشان قابل اجرای حکم میراث نمی‌شود مالش محل ثورت هم نیست» (ص ۱۷۹).

اشرف‌علی تهانوی^۲ از جمله بزرگان دیوبندی می‌گوید: «قبر مبارک آن حضرت دارای شرف بسیار است. چون در داخل آن جسد اطهر و بلکه خود آن حضرت «یعنی جسد همراه روح» وجود دارد. زیرا تقریباً همه اهل حق متفق‌اند که آن حضرت در قبر زنده‌اند و اعتقاد صحابه نیز همین بوده است. در حدیث نیز این نص آمده است که: «ان نبی الله حی یرزق». در جای دیگری می‌گوید: «برای آن حضرت بعد از وفات نیز حیات برزخی ثابت است و این حیات از حیات برزخی شهدا نیز بالاتر و به حدی قوی شمرده شده که به حیات ناسوتی^۳ نزدیک شده است؛ چنان‌که بسیاری از احکام ناسوت هم بر آن متفرع است. مثلاً همان‌گونه که ازدواج کردن با همسر مرد زنده صحیح نیست با همسران رسول خدا ﷺ هم نکاح جایز نیست؛ و همان‌گونه که ارث آدم زنده تقسیم نمی‌شود ارث آن حضرت نیز تقسیم نمی‌شود» (ص ۱۸۰).

و سید حسین احمد مدنی^۴ یکی دیگر از بزرگان علمای دیوبندی، می‌گوید: «آنها (وهابیان) بعد از وفات ظاهری انبیا، حیات جسمانی و بقای ارتباط بین روح و جسم را انکار می‌کنند و این بزرگواران (علمای دیوبند) نه تنها به زبان می‌گویند، بلکه در عمل آن را

۱. نانوتوی (۱۲۴۸-۱۲۹۷ ه.ق.)؛ وی از بنیان‌گذاران مدرسه دیوبند و رهبر جنبش آزادی‌خواه بر ضد استعمار.
۲. اشرف‌علی تهانوی (۱۲۸۰-۱۳۶۲ ه.ق.) فرزند عبدالحق بن حافظ فیض علی که به حکیم الامه ملقب است؛ از استادان و علمای بزرگ دیوبندی که بیش از ۸۰۰ جلد کتاب در حوزه‌های مختلف تألیف کرده است.
۳. مراد از این عالم، همان عالم طبیعت و شهادت و ملک است؛ یعنی جهان جسمانی و اجسام و ماده و مادیات که در آن حرکت و زمان و مکان نقش دارد.
۴. با نام اصلی چراغ محمد (۱۲۹۶-۱۳۷۷ ه.ق.) فرزند سید حبیب‌الله؛ بعد از مولانا کشمیری رئیس مدرسان دیوبند شد و بعد از محمود الحسن ریاست جمعیه‌العلمای هند را بر عهده داشت.

اثبات می‌کنند و با شور و هیجان بسیار برای اثبات آن دلیل اقامه کرده‌اند و رسائل متعددی نوشته و منتشر کرده‌اند» (ص ۱۸۱).

و مفتی سابق پاکستان، محمد شفیع عثمانی،^۱ از بزرگان علمای دیوبندیه، می‌گوید: «عقیدهٔ جمهور امت در این مسئله این است که نبی اکرم ﷺ و تمام انبیا با جسد عنصری خویش در برزخ زنده‌اند و حیات برزخی‌شان صرف حیات روحانی نیست، بلکه حیاتی جسمانی نیز دارند که کاملاً شبیه حیات دنیوی است، جز اینکه آنان مکلف به احکام نیستند». در ادامه می‌گوید: «خلاصهٔ کلام اینکه، حیات انبیا بعد از مرگ، نوعی حیات حقیقی جسمانی مانند حیات دنیوی است. عقیدهٔ جمهور امت و عقیدهٔ من و عقیدهٔ تمام بزرگان دیوبند نیز همین است» (ص ۱۸۱).

محمد طیب^۲ از بزرگان علمای دیوبندیه شمرده می‌شود، که می‌نویسد: «مسلك احقر و مشایخ اصغر همان است که در المهند به تفصیل نوشته شده؛ یعنی جناب رسول الله ﷺ و تمام انبیا در عالم برزخ با جسد عنصری و مادی زنده هستند. کسانی که با این نظر مخالف باشند، در این مسئله از مسلك دیوبند منحرف‌اند» (ص ۱۸۱).

سرفرازخان صفدر، از علمای دیوبندیه، تصدیقی برای این کتاب نوشته و می‌گوید: «هر اندازه که قیامت نزدیک‌تر می‌شود هر صاحب رأیی به رأی خود فخر می‌فروشد و این گرفتاری و مشکلی است که فقط با این قاعده اصولی حل می‌شود: لن یصلح آخر هذه الامة الا بما صلح به اولها؛ در نهایت، این امت فقط با بازگشتن به اول این امت درست می‌شود. از جمله این مسائل حیات انبیا و موضوع سماع صلاة و سلام عند القبور است که قبل از سال ۱۳۷۴ ه.ق. از مشرق تا مغرب و از شمال تا جنوب، هیچ عالمی از هیچ فرقه‌ای در آن هیچ‌گونه اختلافی نداشت؛ چنان‌که در فتاویٰ رشیدیة و امداد الفتاویٰ و غیرهما کاملاً عیان است» (ص ۲۰۶).

۱. وی (۱۳۹۶-۱۳۱۴ ه.ق.) بعد از استقلال پاکستان در شهر کراچی، دارالعلوم لاندهی را تأسیس کرد و خود سال‌ها مدیریت آن را بر عهده داشت.

۲. مظفرالدین (۱۳۱۴-۱۴۰۳ ه.ق.)، فرزند حافظ محمد احمد قاسمی و نوه مولانا قاسم نانوتوی؛ وی به منصب مدیریت دارالعلوم دیوبند رسید و حدود ۶۰ سال عهده‌دار این منصب بود.

کیفیت زیارت کردن قبر پیامبر اکرم ﷺ

در عقیده هشتم مؤلف اشاره‌ای به کیفیت زیارت آن حضرت می‌کند و می‌گوید: «اولی و بهتر این است که در وقت زیارت قبر شریف روی خود را به جانب چهرهٔ انور آن حضرت قرار دهد و سر پا بایستد. این روش نزد ما معتبر است و معمول ما و مشایخ ما همین است. این عقیده همان عقیده مالک است که در جواب خلیفهٔ وقت بیان کرد».

عرضه اعمال امت به پیامبر اکرم ﷺ

عرضه اعمال امت اسلام به آن حضرت موضوعی است که در عقیده نهم به آن پرداخته شده است. مؤلف می‌نویسد: «به عقیده ما رسول‌الله در قبر خود زنده‌اند، نماز می‌خوانند، به حس و علم موصوف‌اند، اعمال امت بر آن حضرت عرضه می‌شود» (ص ۱۸۳). وی دلیل بر عرضه اعمال را از روایت بزار به دست آورده که متن روایت این‌گونه است: «عن ابن مسعود مرفوعاً: حیاتی خیر لکم؛ تحدثون و يحدث لکم و وفاتی خیر لکم؛ تعرض علی اعمالکم فما رأیت من خیر حمدت الله علیه و ما رأیت من شر استغفرت الله لکم». ^۱ عرضه اعمال بر حضرت به اجمال از روایت صحیح بزار ثابت است. وی در ادامه سخن دو تن از بزرگان دیوبند را بیان می‌کند؛ خلیل احمد سهارانپوری در براهین قاطعه می‌گوید: «صلوة و سلام را ملائکه می‌رسانند و اعمال امت بر آن حضرت عرضه می‌گردد». تهانوی نیز می‌گوید: «از مجموعهٔ روایات، علاوه بر فضیلت حیات و اکرام ملائکه در برزخ، این مشاغل نیز برای آن حضرت ثابت هستند؛ ملاحظه و مشاهدهٔ اعمال امت، نماز خواندن» (ص ۱۸۴).

۱. سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۸۰.

اعتقاد به نبی و رسول بودن پیامبر اکرم ﷺ در قبر

عقیده دهم را مؤلف به این شبهه اختصاص داده که آیا اطلاق نبی و رسول به ایشان فقط در زمان حیات آن حضرت صحیح است یا در زمان رحلت و در قبر قرارگرفتن آن حضرت نیز می‌توان ایشان را نبی و رسول خطاب کرد. سید عبدالشکور ترمذی نکته بسیار مهمی را بیان می‌کند، و آن اینکه برای اطلاق نبوت و رسالت به حضرت، موصوف بودن به حس و علم را لازم داریم. به همین دلیل، ضروری است که ابتدا عقیده داشته باشیم حضرت در قبر و بعد از رحلت نیز دارای ادراک و علم هستند. بعد از این اعتقاد می‌توان ایشان را رسول و نبی خطاب کرد. وی می‌گوید به عقیده ما حضرت رسول ﷺ و سایر انبیا ﷺ همان‌گونه که در دنیا در حیات ظاهری قبل از وفات حقیقتاً «نبی» و «رسول» بودند، بعد از وفات در قبور مبارکه خود نیز حقیقتاً «نبی» و «رسول» هستند (ص ۱۸۴). از جمله علمای اهل سنت که مؤلف به کلام ایشان استناد می‌کند ابن عابدین شامی است که می‌گوید: «آنچه دشمنان به ابوالحسن اشعری نسبت داده‌اند، که قائل به رسول بودن پیامبر ﷺ بعد از وفات ایشان نبود، اتهام و افتزایی بیش نیست» (ص ۱۸۵).

افضلیت و علمیت و خاتمیت پیامبر ﷺ

در عقیده یازدهم تا چهاردهم کتاب، مؤلف به این سه مسئله مهم درباره پیامبر ﷺ می‌پردازد. ابتدا به افضلیت حضرت اشاره می‌کند و می‌گوید: «عقیده ما و مشایخ ما این است که سید و مولا و حبیب و شفیع ما حضرت محمد ﷺ از همه مخلوقات، افضل و نزد خداوند متعال از همه بهتر است. هیچ‌کس نمی‌تواند در اعتبار و منزلت در پیشگاه خداوند حتی به حاشیه بارگاه آن حضرت برسد، تا چه رسد به اینکه بتوان تصور برابری کسی را با آن حضرت به مخیله خود آورد» (ص ۱۸۵). در عقیده چهاردهم مطلبی را در باب افضلیت بیان می‌کند و آن اینکه هر کس بگوید مرتبه افضلیت پیامبر ﷺ بر ما مانند مرتبه افضلیت

برادر بزرگ‌تر بر برادر کوچک‌تر است، این شخص از دایره ایمان خارج شده است (ص ۱۸۷).

مؤلف، مسئله خاتمیت آن حضرت را مسئله‌ای اجماعی می‌داند و به این آیه استناد می‌کند: (و لکن رسول الله و خاتم النبیین)^۱. سپس می‌گوید هر کس منکر خاتمیت پیامبر ﷺ باشد به عقیده ما بدون هیچ شکی کافر است (ص ۱۸۶).

در عقیده پانزدهم، به اعلیمیت پیامبر ﷺ می‌پردازد و می‌گوید: «ما به زبان قائل و به دل معتقدیم که به سید ما پیامبر ﷺ از همه مخلوقات بیشتر علم عطا شده، و این علوم به ذات و صفات و تشریحات، یعنی احکام عملیه و حکم نظریه و حقایق حقه و اسرار خفیه و ...، تعلق دارند. از میان مخلوقات کسی نمی‌تواند به آن حضرت نزدیک شود؛ نه ملک مقرب و نه نبی مرسل! به حضرت، علم اولین و آخرین عطا شده است» (ص ۱۸۷). همچنین، در عقیده شانزدهم می‌گوید هر کس بگوید علم فلان شخص از علم پیامبر ﷺ نعوذ بالله بیشتر است کافر است (ص ۱۸۸).

خواندن کتاب‌های مختص صلوات و زیارت پیامبر ﷺ

برخلاف نظریاتی که وهابیت در این زمینه دارند، یکی از اعتقادات علمای دیوبندیه، مسئله خواندن کتاب‌ها و زیارت‌هایی است که درباره پیامبر اکرم ﷺ رسیده باشد. در این زمینه مؤلف کتاب می‌گوید: «به عقیده ما کثرت درود و صلوات بر حضرت پیامبر ﷺ مستحب و طاعتی موجب اجر و ثواب بی‌حد و نهایت است. این عمل فرقی نمی‌کند با خواندن کتاب دلائل الخیرات باشد، یا خواندن رسائل و کتب دیگری که در این موضوع تألیف شده، اما به نزد ما خواندن درودهایی افضل است که صیغه و الفاظش نیز از خود حضرت نقل شده باشد» (ص ۱۸۸).

۱. سوره احزاب (۳۳): آیه ۵.

احتفال بمولد النبی ﷺ

یکی دیگر از مسائلی که وهابیت با آن مخالفت می‌کنند مسئله برگزاری مراسم ولادت پیامبر اکرم ﷺ است. در عقیده هیجدهم این کتاب، مؤلف نیز در این زمینه برای رفع این اتهام وهابی‌گری به علمای دیوبندیه می‌گوید: «ذکر و بیان تمام احوال و واقعیاتی که کوچک‌ترین تعلقی به پیامبر اکرم ﷺ داشته باشند، نزد ما بسیار پسندیده و از عالی‌ترین مستحبات است، اعم از اینکه ذکر ولادت باسعادت آن حضرت باشد یا ... چنانچه در رساله ما، براهین قاطعه، این مطلب در مواضع متعددی به صراحت ذکر شده و در فتاوای مشایخ ما آمده است» (ص ۱۸۹).

خواب و رؤیای پیامبر اکرم ﷺ

مؤلف در عقیده نوزدهم تا بیست و یکم به این دو مسئله می‌پردازد. وی مسئله خواب حضرت را با استناد به حدیث صحیح بخاری «ان عینی تمان و لا ینام قلبی»^۱ این گونه بیان می‌کند که پیامبر ﷺ نیز مانند تمام انبیا فقط چشم‌های مبارکش می‌خوابید و قلب مطهرشان نمی‌خوابید و به همین دلیل وضوی آن حضرت بعد از خواب باطل نمی‌شد؛ و انبیا نیز در خواب مانند حضرت بودند. روایت بخاری همین مطلب را بیان می‌کند: «و کذلک الانبیاء تمام اعینهم و لا تمام قلوبهم»^۲. وی درباره ی رؤیای انبیاء می‌گوید: «رؤیای انبیا در حکم وحی است».

تقلید از منظر دیوبندیه

مسئله تقلید در زمانه حاضر نقد شده و عده‌ای دم از عدم جواز تقلید می‌زنند. وهابیت از جمله کسانی هستند که دم از عدم جواز تقلید می‌زنند و خود را بری از تقلید می‌دانند. در این میان عبدالشکور ترمذی در عقیده بیست و دوم با بیان عقیده علمای

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۹۱.

دیوبندیه جواز تقلید و ضروری بودن تقلید را اثبات می‌کند. وی تقلید را در این زمان بسیار ضروری می‌داند و می‌گوید:

«به تجربه دریافته‌ایم که ترک تقلید و تبعیت از نفس و هوی، جز گمراهی و انحراف چیز دیگری ندارد و به همین جهت ما و تمام مشایخ دیوبندیه در کلیه اصول و فروع مقلد ابوحنیفه هستیم» (ص ۱۹۲).

دیوبندیه و تصوف

تصوف از جمله جریان‌هایی است که در واقع می‌توان گفت نقطه مقابل وهابیت تلقی می‌شود. به همین دلیل علمای دیوبندی در صدد اثبات آن برای خود برآمدند. مؤلف این مسئله را در عقیده بیست‌وسوم ذکر می‌کند و می‌گوید: «بعد از تحصیل عقاید، بیعت کردن با شیخ طریقتی که در شریعت راسخ‌العقیده و به دنیا بی‌رغبت و طالب آخرت باشد و گردنه‌ها و نشیب و فرازهای نفس را طی کرده باشد لازم است» (ص ۱۹۲). وی اشاره می‌کند به اینکه استفاده از این روحانیت مشایخ و بزرگان و یافتن فیض باطنی از سینه و از قبرهایشان بدون تردید صحیح است، اما به همان روشی که خواص و اهل این راه می‌دانند، نه با روشی که در میان عوام‌الناس رواج دارد (ص ۱۹۳).

مؤلف، در پایان، بزرگانی از علمای دیوبندیه را نام می‌برد که این رساله را تصدیق کرده‌اند، از جمله:

۱. محمد طیب (مؤسس دارالعلوم دیوبند)
۲. جمیل احمد تھانوی (مفتی جامعہ اشرفیہ مسلم تاون لاهور)
۳. مفتی محمد (مفتی قاسم‌العلوم ملتان)
۴. عبدالحق حقانی (مؤسس مدرسہ دارالعلوم حقانیہ اگورہ ختک)
۵. حمد احمد تھانوی (مؤسس مدرسہ اشرفیہ سگر)
۶. عبداللہ بھلوی (مؤسس مدرسہ اشرف‌العلوم حبیب‌آباد شجاع‌آباد)

۷. رشید احمد دیانوی (مفتی دارالافتاء والارشاد ناظم آباد کراچی)
 ۸. محمد فرید (مفتی دارالعلوم الحقانیة اکوړه ختک)
 ۹. احمد سعید (مفتی سراج العلوم سرگودا)
 ۱۰. محمد وجیه (مفتی دارالعلوم الاسلامیة، تندوالله یار، سند)
 ۱۱. عبدالقادر (مفتی دارالعلوم عیدگاه کبیروالا ملتان)
 ۱۲. فیض احمد (مؤسس جامعہ قاسم العلوم ملتان)
 ۱۳. سید صادق حسین (فاضل دیوبند و مؤسس مدرسہ علوم الشرعیة جنگ صدر)
 ۱۴. محمد عبدالستار تونسوی (رئیس تنظیم اهل السنة والجماعة پاکستان، ملتان)
 ۱۵. نذیر احمد (شیخ الحدیث جامعہ امدادیہ اسلامیہ، فیصل آباد)
 ۱۶. محمد ادیس (مدرسہ عربیہ اسلامیہ بنوری تاون کراچی)
 ۱۷. محمد علی جالندری (امیر مجلس تحفظ ختم نبوت پاکستان)
 ۱۸. محمد ایوب بنوری (مؤسس مدرسہ دارالعلوم پیشاور)
 ۱۹. ابوالزاهد سرفرازخان صفدر (شیخ الحدیث نصرۃ العلوم گوجرانوالہ)
 ۲۰. قاضی عبداللطیف جہلمی
- مؤلف، تصدیقیہ سی و پنج نفر از بزرگان را در عصر حاضر بیان می کند که این نشان از ثابت بودن اصول کلی عقاید بیان شده در این رساله نزد این علمای دیوبندیہ است.